

# ابوالحسن نجفی

## وزن شعر فارسی

(درس نامه)

اما عالی‌ترین نمونه شعر نو موزون را باید در برخی از اشعار نیما یوشیج یافت که علاوه بر دو ویژگی شعر نو موزون (یعنی نامساوی بودن مصراع‌ها و مصراع‌هایی با بیش از چهار رکن)، یک ویژگی سوم هم دارد و آن اینکه رکن پایانی هر مصراع در آنها معمولاً رکن ناقص است. مثلاً به بخشی از شعر «وای بر من» از نیما یوشیج (۱۳۱۸) توجه کنید که از تکرار رکن «فاعلاتن» شکل گرفته است، و هر سه ویژگی فوق در آن مشاهده می‌شود:

کشتگام خشک ماند و یکسره تدبیرها

- u - / - - - u - / - - - u - / - - - u -

گشت بی سود و ثمر

- u - / - - - u -

تنگنای خانام را یافت دشمن با نگاه حیل‌اندوزش

- / - - - u - / - - - u - / - - - u - / - - - u -

وای بر من! می‌کند آماده بهر سینۀ من تیرهایی

- - - u - / - - - u - / - - - u - / - - - u -

که به زهر کینه آلوده است

- / - - - u - / - - - u -

پس به جاده‌های خونین کلمه‌های مردگان را

- - - u - / - - - u - / - - - u - / - - - u -

به غبار قبرهای کهنه اندوده

- / - - - u - / - - - u - / - - - u -

از پس دیوار من بر خاک می‌چیند

- / - - - u - / - - - u - / - - - u -

**وزن شعر فارسی**  
(درس نامه)

# وزن شعر فارسی

(درس نامه)

ابوالحسن نجفی

به همت امید طیب زاده



انتشارات نیلوفر

---

نجفی، ابوالحسن، ۱۳۰۷-۱۳۹۴  
وزن شعر فارسی (درس‌نامه) / ابوالحسن نجفی؛ به‌همت امید طیب‌زاده. تهران؛  
نیلوفر، ۱۳۹۵.

ISBN 978-964-448-686-9

۲۴۰ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
موضوع: عروض فارسی  
رده‌بندی کنگره: ۴۱۳۹۵ و آن/PIR۳۵۵۸  
رده‌بندی دیویی: ۸۴۰/۴۱  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۷۳۹۹۴۰

---



**انتشارات نیلوفر**

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

---

ابوالحسن نجفی

وزن شعر فارسی (درس‌نامه)

به‌همت امید طیب‌زاده

حروف‌چین و صفحه‌آرا: زهره فرزانه زیده‌سرائی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

چاپ دیا

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: [www.behanbook.ir](http://www.behanbook.ir)

## فهرست مطالب

- پیش‌گفتار..... ۹
- مقدمه..... ۱۱
۱. تعریف وزن و قاعده تقطیع..... ۱۳
- ۱.۱. تعریف وزن و انواع آن..... ۱۳
- ۱.۲. تعریف هجا و انواع آن..... ۱۴
- ۱.۳. قاعده تقطیع در وزن شعر فارسی..... ۱۷
- ۱.۴. موارد عدول از قاعده تقطیع در وزن شعر فارسی..... ۱۸
- تمرین‌های فصل ۱..... ۲۱
۲. استثنائات..... ۲۷
- ۲.۱. نون عروضی..... ۲۸
- ۲.۲. مصوت «ای (/i/)» در میان کلمه..... ۲۹
- ۲.۳. خنثی شدن تمایز کمیت هر شش هجا در پایان مصراع..... ۳۰
- تمرین‌های فصل ۲..... ۳۴
۳. اختیارات شاعری یا جوازات عروضی..... ۴۱
- ۳.۱. اختیار - - - - (فاعلاتن) به جای - - - - (فعلاتن) در آغاز مصراع..... ۴۲
- ۳.۲. اختیار یک بلند (-) به جای دو کوتاه (ب) در میان مصراع، یا اختیار تسکین..... ۴۴
- تمرین‌های فصل ۳..... ۴۷
۴. ضروریات شعری یا تغییر کمیت کلمه به ضرورت وزن..... ۵۱
- ۴.۱. حذف همزه آغازی..... ۵۱

- ۵۵..... ۱. ۴. تمرین‌های بخش ۱
- ۵۹..... ۲. ۴. تغییر کمیت مصوت‌های پایانی
- ۵۹..... صامت میانجی
- ۶۳..... ۲. ۴. تمرین‌های بخش ۲
- ۶۵..... ۱. ۲. ۴. تغییر کمیت مصوت‌های کوتاه پایانی
- ۷۰..... ۱. ۲. ۴. تمرین‌های بخش ۱
- ۷۳..... ۲. ۲. ۴. تغییر کمیت مصوت‌های بلند پایانی
- ۷۹..... ۲. ۲. ۴. تمرین‌های بخش ۲
- ۸۳..... ۵. بررسی برخی وزن‌های خاص شعر فارسی
- ۸۳..... ۱. ۵. اوزان معروف به ذوب‌چین
- ۸۷..... ۱. ۵. تمرین‌های بخش ۱
- ۸۸..... ۲. ۵. اوزان رباعی
- ۹۰..... ۱. ۲. ۵. قاعده قلب
- ۹۱..... ۲. ۵. تمرین‌های بخش ۲
- ۹۵..... ۳. ۵. وزن دوری
- ۹۶..... ۱. ۳. ۵. شرایط وزن دوری
- ۱۰۱..... ۲. ۳. ۵. تکبیت و وزن دوری
- ۱۰۲..... ۳. ۵. تمرین‌های بخش ۳
- ۱۰۵..... ۶. آشنایی با برخی از اصطلاحات عروض سنتی
- ۱۰۵..... ۱. ۶. ارکان اصلی عروض سنتی
- ۱۰۷..... ۲. ۶. افعیل عروض سنتی
- ۱۱۰..... ۳. ۶. دوایر عروض سنتی
- ۱۲۰..... ۴. ۶. نمونه‌ای از تقطیع در عروض قدیم
- ۱۲۷..... ۷. فهرست رایج‌ترین وزن‌های شعر فارسی

- ۱۲۷.....۱.۷. فهرستِ ۳۰ وزن رایج شعر فارسی براساس افاعیل آنها
- ۱۴۲.....۲.۷. فهرستِ ۳۰ وزن رایج شعر فارسی براساس کمیتِ هجاهای آغازین آنها
- ۱۴۸.....تمرین‌های فصل ۷
- ۱۶۱.....۸. طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی
- ۱۷۳.....۹. تحول وزن در شعر فارسی معاصر
- ۱۷۴.....۱.۹. شعر نوِ موزون
- ۱۷۸.....۲.۹. شعر نو بی‌وزن یا شعر آزاد
- ۱۷۹.....۳.۹. کوشش برای درآمیختن وزن‌های مختلف
- ۱۸۳.....۴.۹. علل از میان رفتن وزن در شعر معاصر
- ۱۸۳.....۱.۴.۹. عوامل درونی (= علل زبانی)
- ۱۸۴.....۲.۴.۹. عوامل بیرونی (= علل اجتماعی)
- ۱۸۷.....۱۰. تحول محتوایی شعر امروز
- ۱۹۷.....پاسخ تمرین‌ها
- ۱۹۷.....پاسخ تمرین‌های فصل ۱
- ۲۰۰.....پاسخ تمرین‌های فصل ۲
- ۲۰۳.....پاسخ تمرین‌های فصل ۳
- ۲۰۶.....پاسخ تمرین‌های بخش ۱.۴
- ۲۰۹.....پاسخ تمرین‌های بخش ۲.۴
- ۲۱۱.....پاسخ تمرین‌های بخش ۱.۲.۴
- ۲۱۴.....پاسخ تمرین‌های بخش ۲.۲.۴
- ۲۱۶.....پاسخ تمرین‌های بخش ۱.۵
- ۲۲۰.....پاسخ تمرین‌های بخش ۳.۵
- ۲۲۳.....پاسخ تمرین‌های فصل ۷
- ۲۳۹.....مهم‌ترین کتاب‌های عروضی





## پیش‌گفتار

در چهارم آذر ماه ۱۳۹۴ استاد ابوالحسن نجفی در حضور آقایان حسین کریمی و مهدی حریری دو مجموعه از دست‌نوشته‌های خود را در اختیار من گذاشت تا آنها را براساس آخرین دیدگاه‌هایش، به صورت دو کتاب مستقل آماده کنم و تحویل ناشر یعنی آقای حسین کریمی بدهم. مجموعه اول شامل جزوه‌هایی بود که استاد از آنها برای تدریس عروض در کلاس‌های وزن شعر در «مرکز نشر دانشگاهی» و «صدا و سیما» استفاده می‌کرد، و مجموعه دوم شامل یادداشت‌های او بود در باره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی. حال بسیار خوشحالم که می‌توانم نخستین کتاب از آن دو مجموعه را که درس‌نامه عروض فارسی است، تقدیم حضور علاقمندان کنم. کتاب حاضر دقیقاً براساس همان طرح و ترتیبی تنظیم شده است که استاد با دقت تمام در جزوه‌های تدریس خود آورده بود. نیم نخست این کتاب را یک ماهی پیش از وفات استاد به نظرش رساندم و او آن را ویرایش کرد و نکاتی را در مورد نحوه ارائه مطالب، عنوان کتاب و مشخصات روی جلد متذکر شد که تمام آنها را عیناً در کتاب به کار بستم. خواننده در این کتاب با آخرین آراء استاد ابوالحسن نجفی در مورد تقطیع اوزان شعر فارسی آشنا می‌شود و برای خواندن کتاب بسیار مهم‌تر وی، یعنی طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی که حاصل بیش از چهل سال پژوهش و بررسی او

بوده است آماده می‌شود. نگارنده امیدوار است که آن کتاب را نیز به زودی تحویل ناشر بدهد.

در اینجا لازم می‌دانم از دوست و همکار ارجمندم جناب آقای مهدی حریری که کار ویرایش این کتاب را متقبل شدند سپاسگزاری کنم. ایشان که به واسطه سال‌ها همکاری با استاد نجفی و ویرایش آثار او، کاملاً با شیوه کار استاد آشنایی داشتند، بسیاری از ایرادات کتاب حاضر را برطرف کردند و نایکدستی‌های آن را از میان برداشتند. همچنین از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر حسین معصومی همدانی نیز نهایت امتنان را دارم که این کتاب را پیش از انتشار مطالعه کردند و نکات مهمی را به بنده متذکر شدند. تذکر این نکته را ضروری می‌دانم که استاد نجفی خود تأکید داشتند که آقای حریری کتاب حاضر را ویرایش کنند و آقای دکتر معصومی همدانی نیز یک بار آن را پیش از انتشار بخوانند، و حال که حاصل کار را می‌نگرم درمی‌یابم که اصرار ایشان در این موارد چه به‌جا و صحیح بوده است. از دوست عزیزم جناب آقای حسین کریمی، مدیر انتشارات نیلوفر نیز بسیار سپاسگزارم که با سعه صدر بسیار امکانات لازم برای انتشار هرچه بهتر کتاب را مهیا کردند. بنده و دوستانی که از آنها نام بردم تمام سعی خود را به کار بستیم تا کتاب را آنگونه که خواست استاد بود در اختیار خوانندگان بگذاریم، و البته بدیهی است که هر عیب و نقصی در این کتاب به پای همین نگارنده است و بس. از خوانندگان کتاب بسیار سپاسگزار خواهم بود اگر عیب و خطایی در کتاب یافتند به بنده اطلاع دهند تا ان‌شاءالله در چاپ‌های بعد آنها را برطرف سازیم.

امید طیب‌زاده

## مقدمه

می‌توان گفت ما دو نوع علم داریم، یکی علم به واقعیت بیرونی و یکی هم علم به کتابی که دربارهٔ واقعیت بیرونی بحث کرده است. ما ایرانیان در چند قرن اخیر و خاصه در علوم انسانی، علم به کتاب را جانشین علم به واقعیت بیرونی کرده‌ایم. مثلاً پس از گذشت چندین قرن هنوز هم می‌خواهیم وزن شعر فارسی را از روی کتاب *المعجم فی معاییر اشعارالعجم* اثر شمس قیس رازی یا کتاب *معیارالاشعار* اثر خواجه نصیر طوسی که در قرن هفتم هجری نوشته شده‌اند بیاموزیم. و این بدان می‌ماند که مثلاً بخواهیم مکانیک و فیزیک را از روی کتاب *ارشمیدس*، یا ریاضی را از روی آثار *فیثاغورس*، یا طب را از روی کتاب *قانون ابن سینا* فرا بگیریم. بدیهی است که چنین علمی حتی اگر در برخی مراکز فرهنگی نیز علم نامیده شود، علم به معنای دقیق و امروزی کلمه نیست. علم به معنای صحیح آن نمی‌تواند چیزی جز علم به واقعیت بیرونی باشد. در این کتاب می‌کوشیم وزن شعر فارسی را در مقام واقعیتی بیرونی، و با استفاده از دست‌آوردهای پیشرفتهٔ آواشناسی بررسی کنیم و اصول حاکم بر آن را معرفی کنیم. موضوع بحث ما در این کتاب وزن شعر فارسی است، یعنی شناخت شعر فارسی از لحاظ

وزن، که به آن علم عروض هم می‌گویند. مواد مورد بحث ما در این کتاب عبارت است از شکل تثبیت‌شده اشعار موجود فارسی که در طی حدود ۱۲۰۰ سال اخیر سروده شده است. و بالاخره هدف ما در این کتاب این است که نشان بدهیم قاعده تقطیع اشعار فارسی چیست، و موارد عدول از آن کدام است.

## ۱. تعریف وزن و قاعده تقطیع

برای پاسخ دادن به این سؤال که قاعده اصلی تقطیع شعر عروضی فارسی چیست، پیش از هر چیز باید بدانیم که اساساً وزن چیست و چه انواعی دارد و واحدهای تشکیل دهنده آن کدام است. پس از تعریف قاعده اصلی تقطیع، می‌توانیم موارد گوناگون عدول از آن قاعده اصلی را نیز روشن کنیم.

### ۱.۱. تعریف وزن و انواع آن

وزن ادراک تناسبی است که از تکرار مقادیر متساوی و منفصل حاصل می‌شود. در هر زبانی این مقادیر متساوی و منفصل با برخی از خصوصیت‌های صوتی همچون شدت<sup>۱</sup>، ارتفاع یا زیروبمی<sup>۲</sup>، کمیت<sup>۳</sup> یا امتداد<sup>۴</sup> و مانند آن پدید می‌آید. وزن شعر فارسی مبتنی بر کمیت هجاهاست، یعنی در شعر عروضی فارسی، باید تعداد و نوع کمیت‌های دو مصراع مساوی باشد و نه لزوماً تعداد هجاهای آنها. بنابراین نخستین و مهم‌ترین اقدام برای مطالعه وزن شعر فارسی عبارت است از تعیین کمیت هجاها و شمارش آنها به منظور تقطیع. اما پیش از

- 
1. intensity
  2. pitch
  3. quantity
  4. duration

معرفی انواع هجاهای فارسی و کمیت آنها، لازم است هجا را به اختصار تعریف کنیم.

### ۲.۱. تعریف هجا و انواع آن

هجا که همه از دبستان با آن آشناییم عبارت است از یک مصوت به اضافه یک یا چند صامت. به عبارت دیگر تعداد هجاهای هر کلمه یا جمله مساوی است با تعداد مصوت‌های آن. مثلاً:

کلمه «مدرسه» سه مصوت و سه هجا دارد: مَد ر سِه؛

یا کلمه «شاهنگام» چهار مصوت و چهار هجا دارد: شَ با هِن د گام؛

یا جمله «او با مادرش به تهران رفت» نه مصوت و نه هجا دارد: او با ما دَر شَ به تِه ران رَفت.

کمیت هر هجا در شعر فارسی، از روی کمیت مصوت‌ها و نیز تعداد صامت‌های آن تعیین می‌شود. یعنی برای شناسایی کمیت هجاها، ابتدا باید کمیت مصوت‌ها را مشخص کنیم. در زبان فارسی شش مصوت و بیست‌وسه صامت وجود دارد. مصوت‌ها از حیث کمیت به دو دسته کوتاه و بلند تقسیم می‌شوند:

مصوت‌های کوتاه: ا (/a/)، او (/o/)، ای (/e/)

مصوت‌های بلند: آ (/â/)، او (/u/)، ای (/i/)

در اینجا توجه به دو نکته ضروری است: اول اینکه در زبان فارسی امروز، خصوصیت کوتاهی و بلندی مصوت‌ها دیگر «معتبر» نیست، یعنی هیچ دو کلمه‌ای را نمی‌توان در فارسی یافت که فقط براساس

کوتاهی یا بلندی مصوتشان از یکدیگر متمایز شوند، اما در شعر رسمی فارسی، بر طبق قرارداد، این تمایز را باید معتبر شمرد. دوم اینکه در فارسی مصوت مرکب<sup>۵</sup> نداریم و مصوتِ ظاهراً مرکبی که در کلماتی همچون «کوکب»، «روشن»، «موز»، «اوضاع»، «رهر و»، «خسرو» و مانند آن شنیده می‌شود، در واقع عبارت است از یک مصوت ساده /o/ به علاوه یک صامت /v/ که به شکل واج گونهٔ /w/ ظاهر می‌شود. توجه شود که مصوت مرکب در مواردی که در محل تلاقی مصوت‌ها قرار می‌گیرد، به دو واج بسیط /o/ و /v/ تجزیه می‌شود. در این حالت مصوت /o/ در پایان هجای اول می‌ماند و صامت /v/ به آغاز هجای دوم می‌پیوندد. مثلاً عبارت «مشنو ای» در اصل — و حتی گاهی هنوز — بدین صورت تلفظ می‌شود: /mašno vey/.

حال می‌گوییم در زبان فارسی بسته به نوع مصوت و نیز تعداد صامت‌های هر هجا، شش نوع هجا وجود دارد که در مجموع سه کمیت کوتاه و بلند و کشیده را پدید می‌آورد. این هجاها و کمیت آنها را در جدول زیر نمایش می‌دهیم (c علامت صامت<sup>۶</sup>،  $\check{v}$  علامت مصوت کوتاه<sup>۷</sup>،  $\bar{v}$  علامت مصوت بلند<sup>۸</sup>،  $\bar{c}$  علامت کمیت کوتاه، و — علامت کمیت بلند است):

5. diphthong

6. c = consonant

7.  $\check{v}$  = short vowel

8.  $\bar{v}$  = long vowel

شماره ردیف	ساخت هجا	کمیت و نام هجا	علامت هجا در تقطیع	مثال
۱	cṽ	کوتاه	u	نه، تو، سه
۲	cṽ	بلند	-	ما، بو، سی
۳	cṽc	بلند	-	کس، پُل، دِل
۴	cṽc	کشیده	u -	کار، پول، پیل
۵	cṽcc	کشیده	u -	کرد، گفت، خشت
۶	cṽcc	کشیده	u -	کار، کوشک، ریخت

توضیح چند نکته درباره جدول فوق ضروری است:

۱. در زبان فارسی هر هجا با یک صامت شروع می‌شود. در کلماتی چون «آب»، «او»، «ابرو»، «ایران» و جز اینها، که ظاهراً به مصوت ابتدا شده‌اند، در حقیقت یک صامت همزه، مقدم بر مصوت آغازی آنها آمده است. مثلاً ساخت کلمه «آب» عبارت است از cṽc یعنی «صامت همزه + مصوت بلند "آ" + صامت "ب"»، و کمیت آن برابر است با یک هجای کشیده (هجای شماره ۴)؛ و ساخت کلمه «أبرو» عبارت است از cṽc|cṽ یعنی «صامت همزه + مصوت کوتاه "ـ" + صامت "ب" + صامت "ر" + مصوت بلند "او"»، و کمیت آن برابر است با «یک هجای بلند (هجای شماره ۳) + یک هجای بلند (هجای شماره ۲)»؛

۲. پس از صامت آغازی در هر هجا، لزوماً مصوت می‌آید، یعنی در فارسی هیچ هجایی و بنابراین هیچ کلمه‌ای نیست که با دو صامت یا بیشتر آغاز شود. به عبارت دیگر در فارسی «ابتدا به ساکن» وجود ندارد؛

۳. در هر هجا پس از مصوت لزوماً صامت می‌آید، یعنی در فارسی هرگز دو یا چند مصوت متوالی (بی‌واسطه صامت) وجود ندارد؛

۴. صامت‌های پایانی هر هجا بیش از دو تا نیست؛ یعنی در فارسی هجا یا کلمه‌ای نداریم که مثلاً به سه صامت ختم شود، مگر بعضی کلمات دخیل از زبان‌های غربی که در یکی دو قرن اخیر وارد فارسی



شده است، مانند تمبر (tambr)، لوستر (lustr)، اُرکستر (orkestr) و جز اینها. به عبارت دیگر، در دو قرن اخیر تدریجاً کلماتی وارد فارسی شده است که ساخت هجای پایانی آنها چنین است: «صامت + مصوت + سه صامت». البته در بعضی اشعار به کلماتی برمی خوریم که باید آنها را، به ضرورت وزن، با سه صامت پایانی تلفظ کنیم، مانند کلمه «پنهانست» (penhânst) در بیت زیر:

دو دهان داریم گویا همچو نی

یک دهان پنهانست در لبهای وی

(مولوی)

ترکیب هجایی «هانست» (در «پنهانست») عبارت است از «صامت "ه" + مصوت بلند "آ" + سه صامت "ن" و "س" و "ت"» (cṽccc). کمیت این قبیل هجاها نیز، چه در کلمات دخیل و چه در تلفظ‌های خاص، برابر است با «یک بلند + یک کوتاه»، یعنی معادل یک هجای کشیده.

### ۳.۱. قاعده تقطیع در وزن شعر فارسی

تقطیع یعنی تجزیه کلام به کمیت‌های هجایی آن. حال با در اختیار داشتن تعریف دقیق انواع کمیت‌های هجایی در شعر فارسی، می‌توانیم قاعده کلی تقطیع وزن شعر رسمی فارسی را به سادگی و به شرح زیر بیان کنیم: «دو مصراع هر بیت (و در نتیجه، همه بیت‌های یک قطعه شعر) از حیث تعداد و ترتیب کمیت‌های کوتاه و بلند، نظیر به نظیر همانند یکدیگرند. آنچه "ضرورت شعری" یا "ضرورت وزن" نامیده می‌شود

چیزی جز این نیست. پس برای تقطیع هر شعر، اول هجاهای آن را و سپس کمیت این هجاها را مشخص می‌کنیم. مثلاً به بیت زیر توجه شود:

عاقبت گرگ‌زاده گرگ شود  
گرچه با آدمی بزرگ شود  
(سعدی)

تقطیع مصراع اول آن چنین است:

ع ا ق ب ت گ ر گ ز ا د ه گ ر گ ش د و د  
- - - - - - - - - -

و تقطیع مصراع دوم چنین:

گ ر چه با آ د می بُ ز ر گ ش د و د  
- - - - - - - - - -

از مقایسه این دو تقطیع معلوم می‌شود که اولاً کمیت هجایی هر دو مصراع یکسان است و ثانیاً کمیت‌های کوتاه و بلند متقابلاً در برابر یکدیگر قرار دارند؛ و این نه بدان معناست که هجاهای دو مصراع نیز لزوماً مساوی باشد، چنان‌که در همین بیت، مصراع اول نه هجا و مصراع دوم ده هجا دارد.

#### ۱.۴. موارد عدول از قاعده تقطیع در وزن شعر فارسی

اگر هر شعری صرفاً بنا بر قاعده کلی فوق تقطیع می‌شد، بحث وزن شعر و تقطیع نیز به همین جا ختم می‌شد و دیگر نیازی به ذکر

توضیحات و طرح مباحث بیشتر نمی‌بود. اما مسئله این است که در اکثر اشعار فارسی به اشکال مختلف، از قاعده فوق عدول می‌شود و به‌رغم آن، شعر همچنان موزون باقی می‌ماند. مثلاً بیت زیر به گوش همه فارسی‌زبانان کاملاً موزون است:

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

(فردوسی)

اما وقتی آن را صرفاً مطابق جدول بالا تقطیع کنیم با مواردی مواجه می‌شویم که در آنها از قاعده کلی تقطیع عدول شده و باعث شده است که دو مصراع از حیث تعداد و ترتیب کمیت‌های کوتاه و بلندشان، نظیر به نظیر همانند یکدیگر نباشند. موارد عدول از قاعده را (یعنی مواردی را که کمیت دو هجای قرینه در دو مصراع عیناً مانند هم نیست) با نقطه‌ای در کنارشان مشخص کرده‌ایم:<sup>۹</sup>

به نا. م. خُ. دا و نِ دِ جا نُ. خِ رَد  
 کَ زین. بَر. تر. اندِ دِ شِه بَر نگ. نَدَ رَد

با تقطیع مصراع فوق به کمیت‌هایش، بهتر می‌توان موارد عدول از قاعده را مشاهده کرد:

۹ بعداً خواهیم دید که تقطیع صحیح بیت فوق به شکل زیر است:

--- ۰ --- ۰ --- ۰ --- ۰  
 --- ۰ --- ۰ --- ۰ --- ۰  
 فعولن فعولن فعولن فعل

- - - - -  
 - - - - -

می‌بینیم که گرچه بسیاری از کمیت‌های قرینه در دو مصراع بیت فوق نظیر به نظیر مانند هم نیستند و آشکارا از قاعده اصلی وزن شعر عدول کرده‌اند، باز مصراع‌های بیت به گوش ما موزون می‌آیند و ایرادی به ساختار وزنی آنها وجود ندارد. حال می‌گوییم موارد عدول از قاعده وزن شعر محدود به موارد خاصی است، زیرا اگر چنین نمی‌بود هر دو مصراعی که تعداد هجاهای مساوی می‌داشتند، هم‌وزن نیز می‌بودند که مطلقاً چنین نیست.

قاعده کلی وزن شعر رسمی فارسی این است که دو مصراع هر بیت، و همه بیت‌های یک قطعه شعر، از حیث تعداد و ترتیب کمیت‌های کوتاه و بلندشان، نظیر به نظیر همانند یکدیگرند، اما در مواردی بی‌آنکه وزن شعر به هم بخورد از این قاعده کلی عدول می‌شود و کمیت‌ها در وضع قراردادی خودشان ظاهر نمی‌شوند یا در دو مصراع یک بیت، از کمیت‌های قرینه نامساوی استفاده می‌شود. این موارد عدول از قاعده اصلی وزن را به ترتیب، ذیل سه عنوان «استثنائات»، «اختیارات شاعری» و «ضروریات شعری» بررسی می‌کنیم. شناسایی این موارد مجاز عدول از قاعده و طبقه‌بندی و توصیف آنها، موضوع اصلی بحث وزن شعر و البته موضوع بحث ما در ادامه کتاب است.

## تمرین‌های فصل ۱

۱. ساخت، نام، کمیت و علامتِ هجاهای موجود در جفت کلمات زیر را تعیین کنید، و بگویید تفاوت کمیت هجایی در هر جفت ناشی از چیست:

جم / جام

پُر / پور

سَر / سَرَد

۲. تعداد هجاهای ابیات زیر را تعیین کنید:

افشای راز خلوتیان خواست کرد شمع  
شکر خدا که سِرِّ دلش در زبان گرفت

(حافظ)

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر  
آری شود و لیک به خون جگر شود

(حافظ)

حافظ مکن نصیحت شوریدگان که ما  
با خاک کوی دوست به فردوس ننگریم

(حافظ)

۳. ابیات زیر را مصراع به مصراع تقطیع کنید:

اول دفتر به نام ایزد دانا

صانع پروردگار حیّ توانا

(سعدی)

۲. شب پره گر وصل آفتاب نخواهد  
رونق بازار آفتاب نگاهد  
(سعدی)
۳. مروت نیست گر افتادگانی  
به ره بینی و خود مرکب برانی  
(ناصر خسرو)
۴. دیدی که وفا به جا نیاوردی  
رفتگی و خلاف دوستی کردی  
(سعدی)
۵. بنشینم و صبر پیش گیرم  
دنبالۀ کار خویش گیرم  
(سعدی)
۶. با دشمن و با دوست بدت می گویم  
تا هیچ کسست دوست ندارد جز من  
(عنصری)
۷. جهاننا چه بدمهر و بدخو جهانی  
چو آشفته بازار بازارگانی  
(منوچهری)
۸. چو با حیب نشینی و باده پیمایی  
به یاد دار محبانِ بادپیمای را  
(حافظ)

هزار جهد بکردم که سرّ عشق بپوشم  
نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم  
(سعدی)

.۹

اگر خویشتن را ملامت کنی  
ملامت نباید شنیدن ز کس  
(سعدی)

.۱۰

به تو حاصلی ندارد غم روزگار گفتن  
که شبی نخفته باشی به درازنای سالی  
(سعدی)

.۱۱

هرکه آمد عمارتی نو ساخت  
رفت و منزل به دیگری پرداخت  
(سعدی)

.۱۲

برگ عیشی به گور خویش فرست  
کس نیارد ز پس تو پیش فرست  
(سعدی)

.۱۳

وقت ضرورت چو نماند گریز  
دست بگیرد سر شمشیر تیز  
(سعدی)

.۱۴

چو از زلف شب باز شد تابها  
فرو مرد قنديل محرابها  
(منوچهری)

.۱۵

گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار  
کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست  
(خاقانی)

گرم عذاب نمایی به درد و داغ جدایی  
شکنجه تاب ندارم بریز خونم و رستی  
(سعدی)

هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار  
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست  
(حافظ)

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند  
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند  
(حافظ)

چه از وفا که نکردم چه از جفا که نکردی  
مگو که با تو چه کردم بگو چه‌ها که نکردی  
(صرفی ساوجی)

عشق دانی چه گفت تقوا را  
پنجه با ما مکن که نتوانی  
(سعدی)

تاب بنفشه می‌دهد طره مشکسای تو  
پرده غنچه می‌درد خنده دل‌گشای تو  
(حافظ)